

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز



## غیرت افغانی و ، خشم پتان

راه ما از راه گلبدین جداست  
زانکه هفت پشت وی از مادر خطاست  
نطفه انگلیس ، در بطن عرب  
می نداند ، از زمین ، یا از هواست  
از (خلیلی) و (محقق) ، (دوستم)  
بر علاوه از پدر چون ازدهاست  
لیک از (سیاف) و از (ملا عمر)  
هم حرام و ، هم کثیف ، و نارواست

(خوجئین) و (صبغت الله) و (فهیم)  
نطفه (شداد) و از (شمر) جفاست  
(وردک) (نامردک) پندیده تن  
فیل چوبی، چون خمیر نارساست  
از در و دیوار بارد چون ملخ  
طالب و چلی، که دشمن با خداست  
همچو بدماشان فلمی، در ستیز  
با همه پیغمبران کبریاست  
رول خود را، خوب بازی میکنند  
ریش ایشان، اخته در دیگ حناست  
طالبه فرمانبر القاعده  
در حجاب مذهبی، شیشک نماست  
طالبه اندر لباس جالبه  
در کفن پیچیده باریب و ریاست  
در وصیت نامه، (سیمین) زد رقم  
مرده شوئی، بر (ملازاده) رواست  
گرچه هفت جان به کس جان کی دهد  
گرچه عزرائیل، او را در قفاست  
کنده قبرش را (خراسانی) به نقد  
با سخن، با حرف و با گپ، با صداست  
ای خراسانی! تو تنها نیستی  
حرف حق را، دایماً همراه، خداست  
با شجاعت، با مهارت، با هنر  
همتت را، صد هزاران احسانست  
بس زدی با گرز گپ، بر فرق شان  
تیغ گفتارت، ز الماس و طلاست  
جرأتت لازم که با مشت سخن  
ضربه بر دندان این اهل شقاوت  
گرچه تنهائی، به میدان نبرد

سنگرِ حرباء ، به ظاهر همنواست  
لیک در باطن ، مواظب باش باش  
روز بد را ، نه رفیق و آشناست  
یادی کردی ، زین حقیرِ کمترین  
خدمتت ، صد احترام و مرحباست  
**انتظارِ سنگرِ مردانه ام**  
**زانکه راه ما ، ز نامردان سواست**  
حال باید مطلبِ اصلی بیان  
تا که فرق دال ، با دلده چی هاست  
آتشِ تبعیض ، میسوزد جهان  
اختیارش بسته در ریشِ ملاست  
ای همه بم های کُوکِ اجنبی  
بر شما قهرِ خداوندی سزااست  
پُر یتیم و بیوه و ، معیوبِ جنگ  
میهن از بیدادِ تان ، ای مافیاست  
ای شما باند ترور مذهبی  
دین و مذهب ، زین سیاستها جداست  
ای شما اولاده شیطان پرست  
تا به کی میراثِ آبا رهنماست  
سبزه را سوزیده مرمی ، کاشتید  
پارو و آیش ، ز جسم و خونِ ماست  
کوه و صحرا و بیابانِ وطن  
غرق در خون همچو دشتِ کربلاست  
باغ و بوستان و گلستان و چمن  
پرز باروت و ز دودِ غصه هاست  
کوچه و پسکوچه ها و جاده ها  
زیرِ خاکستر فتاده در عزاست  
خانه ها و قریه ها و شهرها  
هم شده ویرانه هم ، ماتمسراست

غیرت افغانی و ، خشم پتان

نم کشیده ، گم شده ، یا در کجاست

غیرت افغانی و ، خشم پتان

مردہ شاید ، یا کہ بر بادِ فناست

غیرت افغانی و ، خشم پتان

یا اسیرِ اجنبی ، یا زیرِ پاست

قہر کردہ ، یا کہ رفتہ خوابِ ناز

یا مریضِ رفتہ کوما ، بی شفاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

ہمتی ، مادر وطن ، قعرِ بلاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

انقلابت ، دردِ میهن را شفاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

وقتِ جانبازی بی چون و چراست

گوشمالی ها ، بہ پاکستان و ہم

کشورِ آخوندی ایرانِ رواست

چونکہ بر ( زنگاری ) و بر ( احمقی )

( کور و کرزی ) تَنگر و چاکر نماست

ای تو ( مرداری ) ( زرداری ) بنام

دشمنی از بہرِ چہ ، با ما ، تراست

گاہ ( عوعو ) ، گاہی ( عرعر ) میکنی

( نطفہ خنزیر ) ، در بطنِ **سگاست**

ای وطنداران ! بہ پا خیزید ، چون

حق ( کرزی ) ، حلقہ دارِ شماست

( کرزی ) و ( جمبوری ) و ( میمون ) او

در مداری بازی ہریک ، اوستاست

ای وطنداران ، طریقِ تازہ ای

کہنہ و فرسودہ ، ختم و انتہاست

جز تحرّی حقیقت ، هموطن !

زخمِ ناسورِ جهان را کی دواست  
دور از هرگونه بُغض و دشمنی  
دوستی با اهلِ عالم مدعاست  
در نهایت روح و ریحان زیستن  
با تمامِ باور و ، اندیشه هاست  
جست و جو بنمودن و راه یافتن  
چاره و درمان و دارو و شفاست  
خدمتِ هم‌نوع ، اصل و فرعِ دین  
وحدتِ عالمِ اساسِ دینِ ماست  
جنگ و دعوا نیست کار و بار ما  
آرزویِ ما ، فقط صلح و صفاست  
« نعمتا » تندی لحنِ خامه ات  
مرهمِ زخمِ دل هر بینواست

## تذکر:

بعض کلمات به شکل تلفظ گفتاری کابلی آورده شده است.